نوع مقاله: پژوهشی
10.61186/mth.15.29.1 doi

دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۲/۲۹
پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۸/۰۷

مطالعهٔ تطبیقی زیبایی‌شناسی پراگماتیستی در دو نمونه شعر–نقاشی تعاملی توسط هوش مصنوعی از دو فرهنگ چین و ایران (نمونه‌های مورد مطالعه: اثر پرندگان و ماهی‌ها از محمود فرشچیان و اثر کوه بهار و قایق ماهیگیری)

زهرا رهبرنیا* فرشته ابراهیمی**

چکیده

زیبایی‌شناسی پراگماتیستی بر اهمیت تجربهٔ زیبایی و مشارکت فعال افراد در فرایند خلق و شکل‌دهی به زیبایی بر بهبود کیفیت زندگی توجه دارد. هنر تعاملی، به‌عنوان یک تجربهٔ زیبا و فرصتی برای شرکت فعال افراد در خلق زیبایی مطرح می‌شود. روش پژوهش انتخاب‌شده تحلیلی- تطبیقی است. این مطالعهٔ تطبیقی براساس تجزیه و تحلیل دو نمونه شعر-نقاشی تعاملی از نقاشی سنتی چین و نگارگری ایران با پیشینهٔ دیرینه طبق نظریهٔ زیباشناسی پراگماتیستی انجام می‌شود. نمونهٔ چینی با استفاده از برنامهٔ بصری تعاملی آیپوت، به کاربران عادی این امکان را می‌دهد که از نقاشی سنتی چینی شعر بسازند، همین‌طور در نمونهٔ ایران، از ربات بلبل‌زبان برای خلق شعر از نگارگری استفاده می‌شود. هدف این پژوهش انطباق بین کیفیت ادراک در برنامهٔ بصری تعاملی آیپوت و ربات بلبل‌زبان مبتنی بر تجزیه- تحلیل نظریهٔ زیباشناسی پراگماتیستی است تا فراتر از زمان و مکان بودن هنرهای رسانه‌ای با بیان‌های جدید را به تصویر کشد و نیز به این سؤال پژوهش پاسخ دهد که ادراک نظریهٔ زیبایی‌شناسی پراگماتیستی در هنر تعاملی چگونه است؟ و زیبایی‌شناسی پراگماتیستی در دو نمونهٔ مورد مطالعه دارای چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی است؟ فرضیهٔ پژوهش این است که این دو نمونه ابزاری کارآمد و توسعه‌یافته در روند خلق شعر-نقاشی تعاملی است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که برنامهٔ آیپوت در نمونهٔ چینی نقش مهمی در فرایند تعاملی خلق شعر-نقاشی از درک کاربران و نقاشی‌های باستانی چینی دارد. همچنین در نمونهٔ ایرانی کاربر با استفاده از برنامهٔ بلبل‌زبان، از نگاره‌های محمود فرشچیان الهام می‌گیرد و شعرهایی دارای مضمونی هماهنگ با نگاره ایجاد می‌کند. ویژگی‌های مهم زیبایی‌شناسی پراگماتیستی از جمله پیوستگی در اجزای هنری، وجود تجربه در زندگی، تأثیرپذیری از زمینهٔ اجتماعی و فرهنگی، و کارکردگرایی در اجزای هر دو نمونه مشاهده می‌شود، که نشان می‌دهد بهره‌برداری از این رویکرد در تجربهٔ هنری و فرهنگی بسیار تأثیرگذار است.

کلیدواژه‌ها: هنر تعاملی، برنامهٔ بصری تعاملی آیپوت، ربات بلبل‌زبان، شعر-نقاشی، چین، ایران.

* دانشیار، گروه پژوهش هنر، دانشکدهٔ هنر، دانشگاه الزهرا، تهران (نویسندهٔ مسئول). Z.rahbarnia@alzahra.ac.ir
** دانشجوی دکتری پژوهش هنر، دانشکدهٔ هنر، دانشگاه الزهرا، تهران. fereshte.ebrahimy.2020@gmail.com

مقدمه

نظریهٔ زیبایی‌شناسی پراگماتیستی[1] یک رویکرد مهم در حوزهٔ زیبایی‌شناسی است که بر تفهیم عمیق‌تر تأثیر زیبایی در تجربهٔ انسانی، به‌ویژه در زمینهٔ هنرهای تعاملی تأکید دارد. یکی از مفاهیم کلیدی نظریهٔ زیبایی‌شناسی پراگماتیستی، ایدهٔ تجربهٔ زیبایی به‌عنوان یک رویداد فراتر از خصوصیت‌های ظاهری آثار هنری است. پراگماتیست‌ها با بررسی تجربیات زیبایی در انسان‌ها، به شکلی کمی و کیفی به معنا و ارتباط این تجربیات در زندگی عملی افراد می‌پردازند و به‌تفصیل بر این موضوع تأکید دارند که زیبایی باید به‌عنوان یک تجربهٔ کاربردی مورد مطالعه قرار گیرد. از مباحث مهم دیگر این نظریه، مفهوم مشارکت فعال انسان در خلق زیبایی است. پراگماتیست‌ها با هنرهای تعاملی مانند هنر تجربی، هنرهای نصبی یا هنرهای مشارکتی نشان می‌دهند که عموم افراد نقش مؤثری در خلق و شکل‌دهی به زیبایی دارند. این مشارکت فعال نه‌تنها به توسعهٔ آثار هنری کمک می‌کند، بلکه تجربهٔ زیبایی را برای انسان‌ها غنی و ژرف‌تر می‌سازد.

هدف این پژوهش انطباق زیبایی‌شناسی پراگماتیستی نسبت متن ادبی و نقاشی ایرانی و سنتی چینی توسط هوش مصنوعی با توجه به برنامهٔ بصری تعاملی آیپوت و ربات بلبل‌زبان مبتنی‌بر تجزیه-تحلیل نظریهٔ زیباشناسی پراگماتیستی است. براساس اینکه تعامل با ربات‌ها به‌گونه‌ای است که فرد به‌صورت فعال و پویا با فرایند خلق شعر درگیر می‌شود و به کنش‌گری می‌پردازد. می‌توان گفت که این تجربه دارای ویژگی‌های یک تجربهٔ زیباشناختی پراگماتیستی است که شامل تعامل فعال با ربات، تغییر و بهبود شعر و واکنش عملکردی به خروجی‌های ربات می‌شود. همچنان هر فرد ممکن است تجربه‌ای منحصربه‌فرد از سرودن شعر با ربات‌ها داشته باشد که براساس تجربیات قبلی، زمینهٔ فرهنگی و انتظارات شخصی شکل می‌گیرد. علاوه‌بر این، واکنش‌های احساسی و عاطفی فرد به خروجی‌های ربات نیز بخشی از تجربهٔ زیباشناختی پراگماتیستی است. اگرچه ربات‌ها به‌عنوان ابزاری برای کمک به خلق شعر عمل می‌کنند، نقش خلاقیت انسانی در این فرایند بسیار مهم است. فرد از ربات به‌عنوان ابزاری برای بیان ایده‌ها و احساسات خود استفاده می‌کند و بر خروجی‌های آن تأثیر می‌گذارد. بر این اساس می‌توان این فرایند را خلق اثر هنری نیز نامید و چون این اشعار احساسات، افکار و ایده‌های فرد را به‌طور مؤثری بیان می‌کنند و واکنش‌های زیباشناختی را برمی‌انگیزند، می‌توان آن‌ها را به‌عنوان آثار هنری در نظر گرفت.

با توجه به در نظر داشتن این موضوع، سؤال اصلی این تحقیق در راستای هدف پژوهش چنین مطرح می‌شود: نظریهٔ زیبایی‌شناسی پراگماتیستی در هنر تعاملی[2] چگونه است؟ و زیبایی‌شناسی پراگماتیستی در دو نمونه شعر-نقاشی تعاملی از نقاشی سنتی چین و نگارگری ایران با توجه به برنامهٔ بصری تعاملی آیپوت و ربات بلبل‌زبان دارای چه تفاوت و شباهت‌هایی است؟ این سؤال پژوهش سعی دارد تا به‌نحو جامع و گوناگون به بررسی تأثیر نظریهٔ زیبایی‌شناسی پراگماتیستی و تفاوت‌های فرهنگی در تجربهٔ زیبایی از طریق دو نمونه هنر تعاملی مورد بحث بپردازد. ضرورت و اهمیت این پژوهش به‌دلیل تأثیر گستردهٔ نظریهٔ زیبایی‌شناسی پراگماتیستی در زمینهٔ هنرهای تعاملی و تفاوت‌های فرهنگی در تجربهٔ زیبایی است. نظریهٔ زیباشناسی پراگماتیستی به‌عنوان یک رویداد فراتر از خصوصیت‌های ظاهری آثار هنری، این تحقیق را به سمت یک فهم عمیق‌تر از نقش و اهمیت زیبایی در زندگی انسانی هدایت می‌کند. این تحقیق می‌تواند با تبیین ویژگی‌های برنامهٔ بصری تعاملی آیپوت و ربات بلبل‌زبان، در افزایش شناخت از تجربهٔ زیبایی در هنرهای تعاملی به‌نحوی کاربردی و نظری مؤثر باشد و همچنان ارتباط میان این تجربه و فرهنگ‌های مختلف را مورد بررسی قرار دهد.

بر این اساس فرضیهٔ تحقیق چنین است که: استفاده از برنامهٔ بصری تعاملی آیپوت در نمونهٔ چینی، که در چین مورد تحقیق قرار گرفته است، به‌عنوان یک ابزار کارآمد برای خلق شعر-نقاشی تعاملی از نقاشی‌های سنتی چینی به‌وسیلهٔ کاربران عادی، نقش بسیار مهمی دارد. این برنامه، با ارائهٔ امکانات تحلیل بصری و استخراج اطلاعات مرتبط با عناصر و احساسات موجود در نقاشی‌های چینی باستان، به کاربران عادی کمک می‌کند تا شعرهایی با ارتباط و هماهنگی عمیق با این نقاشی‌ها ایجاد کنند. با توجه به فرایند تجزیه‌وتحلیل رنگ‌ها و اشیا در نقاشی‌ها توسط برنامه، کاربران می‌توانند تجربهٔ شخصی خود از زیبایی‌ها و احساسات موجود در آثار هنری را به شکل شعری به نمایش بگذارند. تحقیق انجام شده در چین نشان‌دهندهٔ این است که برنامهٔ بصری تعاملی آیپوت با استفاده از امکانات خود، کارایی بالایی در تسهیل و بهبود فرایند خلق شعر-نقاشی تعاملی برای کاربران عادی ایجاد می‌کند و تجربهٔ زیبایی‌شناسانه را برای آنان بهبود می‌بخشد که گامی ارزنده تلقی می‌شود. با توجه به دستاورد تحقیق در چین که برنامهٔ تعاملی بصری آیپوت را به نمایش می‌گذارد، در این تحقیق ربات بلبل‌زبان به‌عنوان نمونهٔ ایرانی مشابه معرفی‌شده که به‌نظر می‌رسد این برنامه نیز در خلق شعر-نقاشی تعاملی در عین ایجاد تجربهٔ زیبایی‌شناسانه مؤثر واقع شده‌است.

پیشینهٔ پژوهش

تاکنون کتاب‌ها و مقالات متعددی به مطالعهٔ هنر تعاملی پرداخته‌اند، ولی در هیچ‌یک از پژوهش‌های مزبور به ارتباط زیبایی‌شناسی پراگماتیستی و هنر تعاملی اشاره نشده‌است. برخی از پژوهش‌های مرتبط با مقالهٔ حاضر در زمینهٔ هنر تعاملی و نظریهٔ زیبایی‌شناسی پراگماتیستی بدین شرح است. دیویی (۱۳۹۱) در کتاب خود با عنوان «هنر به‌منزلهٔ تجربه» به هنر و تجربهٔ زیبایی‌شناختی توجه دارد. شریعتی‌نیا (۲۰۱۶) در مقالهٔ خود با عنوان «بررسی هنر والا و پائین از منظر فلسفهٔ پراگماتیسم» به هنر والا و پایین در فلسفهٔ پراگماتیسم پرداخته‌است. گل‌محمدی و مصطفوی (۱۳۹۹) در مقالهٔ خود با عنوان «شناخت‌شناسی زیبایی از منظر پراگماتیسم در تقابل با زیباشناسی تحلیلی» به شناخت‌شناسی زیبایی از منظر پراگماتیسم و فلسفهٔ تحلیلی پرداخته‌است. پورمند (۱۳۹۶) در مقالهٔ خود با عنوان «افق بیناذهنی هنرمند و مخاطب در هنر تعاملی معاصر با نگاهی به پروژهٔ تعاملی کتابخانهٔ قلب» به هنر تعاملی و تعریف جدید از هنرمند و مخاطب توجه نموده‌است.

حکیم و رهبرنیا (۱۴۰۰) در مقالهٔ خود با عنوان «تجربهٔ زیبایی‌شناختی در هنر تعاملی براساس نظریهٔ جان دیویی» به تجربهٔ زیبایی‌شناختی و مراحل آن و هنر تعاملی توجه نموده‌است که تکامل ساختگی به کمک عواملی چون تعامل، حس، ریتم و تخیل را نمونه‌ای از تجربهٔ زیبایی‌شناختی دیویی مطرح می‌کند. چائوجی فنگ و همکاران (۲۰۲۱) در مقالهٔ خود با عنوان «آیپوت: خلق شعر نقاشی تعاملی با تحلیل چندوجهی بصری» به ارائهٔ یک سیستم بصری تعاملی برای کاربران عادی پرداخته که شعر-نقاشی سفارشی‌شده برای نقاشی‌های چینی باستان بسازند. لی و همکاران (۲۰۲۲) در مقالهٔ خود با عنوان «نقش فناوری تعاملی دیجیتال در یادگیری میراث فرهنگی: ارزیابی یک رسانهٔ تعاملی مبتنی‌بر ژست هوای رویهتو» به تعیین نقش فناوری تعامل در میراث فرهنگی نقاشی سنتی چین می‌پردازد که در نتیجه‌گیری ارتقای یادگیری در میراث فرهنگی را بیان می‌دارد. مطالعهٔ منابع مرتبط با هنر تعاملی و نظریهٔ زیباشناسی پراگماتیستی حاکی از این است که زیباشناسی پراگماتیستی در هنر تعاملی رسانه‌ای نوین مورد بررسی مستقل قرار نگرفته‌است و نوآوری پژوهش حاضر را نشان می‌دهد.

روش و رویکرد پژوهش

روش تحقیق در این پژوهش کیفی بوده و شیوهٔ تحلیلی-تطبیقی برای مطالعهٔ زیبایی‌شناسی پراگماتیستی در هنر تعاملی انتخاب‌شده است تا نظریهٔ زیباشناسی پراگماتیستی در دو نمونه شعر-نقاشی تعاملی از دو فرهنگ مختلف، چین و ایران، با یکدیگر مقایسه و تجزیه‌وتحلیل شود. نمونه‌های مطالعاتی این پژوهش، شعر-نقاشی تعاملی براساس موضوع به‌صورت هدف‌مند انتخاب شده‌است. جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها به‌صورت کتابخانه‌ای و اسنادی معتبر است.

مبانی نظری پژوهش

هنر تعاملی

هنر تعاملی که گاه مترادف هنر مشارکتی به‌کار برده می‌شود، معمولاً از فناوری نوین بهره می‌برد. برخی نظرات حاکی از این است که «آثاری که لزوماً فعالانه مردم را در روند تحقق کار هنری درگیر می‌کنند، اگر از فناوری مدرن بهره نگرفته باشند، نه تعاملی بلکه مشارکتی معنا می‌شوند» (Kwastek, 2013: 7). هنر تعاملی، از طرفی پتانسیل تمرکززدایی از اثر هنری و هنرمند خالق آن را دارد و از طرف دیگر، فراخوانی برای شرکت مخاطب در فرایند باز هنر و در نتیجه، تبدیل اثر هنری به رویدادی تعاملی است. مشارکت مخاطب در رویداد تعاملی هنری، امکان تغییرپذیری و حرکت اثر به‌سوی رویدادی غیرقابل‌پیش‌بینی بر اثر حضور و کنش مخاطب است. این رویکرد، رویداد را غیرقابل‌پیش‌بینی اعلام می‌کند و برخلاف اثر هنری دورهٔ مدرن، سلطهٔ تک‌صدایی هنرمند را در معرض تماس و پاسخ مخاطب قرار می‌دهد. بدین ترتیب، همراهی خالق اثر و مخاطب شکل می‌گیرد و یگانگی حاصل می‌شود (رهبرنیا، ۱۴۰۰).

توجه به فرایند پویا و پیوستهٔ ادراک اثر هنری، آن‌گونه که دیویی توصیف می‌کند، ضرورت و اهمیت تجربه را برای تحقق هنر تعاملی آشکار می‌سازد: «دیویی تلاش کرد در جهت تمامیت فرایند هنر، توجه دوباره‌ای به مادهٔ اثر هنری (ابژه هنری) نماید؛ منظور از تمامیت، موقعیتی است که هنرمند، اثر هنری و مخاطب در کنار یکدیگر، دست به خلق تجربه‌ای نو بزنند [...] به‌واسطهٔ ابژهٔ هنری است که هنرمند و بیننده با یکدیگر مواجه می‌گردند و (عمل) از سوی هنرمند و (به خود دیدن) از سوی مخاطب گرد هم می‌آیند». بر این اساس اگر در روند تولید اثر، هنرمند کنترل یک‌سویه‌اش را کنار بگذارد و اجازه دهد اثرش توسط دیگران کامل شود، فرایند تکمیل، در «تجربه» کار مستقر می‌شود و در ذهن و قلب مخاطب شکل می‌گیرد و می‌توان امیدوار بود آنچه احساس گفته یا فهمیده شده‌است، ابعاد وسیع‌تری پیدا کند (Candy, 2014: 37).

کار واقعی هنر ایجاد تجربه‌ای تام و تمام است از دل تعامل شرایط ارگانیک، محیط و نیروها است. پدید آوردن اثر هنری، تعامل طولانی چیزی برخاسته از "خود" با شرایط عینی است. روندی که در آن هر دو، صورت و نظمی پیدا می‌کنند، که در ابتدا فاقد آن بودند. اثر هنری زمانی کامل است که در تجربهٔ کسانی غیر از پدیدآورندهٔ آن، منشأ اثر می‌شوند. برای ادراک، بیننده باید تجربه خودش را بیافریند و آفرینندگی او باید شامل رابطه‌هایی باشد قابل قیاس با رابطه‌هایی که پدیدآورندهٔ اصلی در معرض آن‌ها قرارگرفته‌است. مخاطب باید همانند هنرمند به عناصر آن کلیتی که در فرم و نه در جزئیات است، نظم و ترتیب ببخشد. همانند روند تنظیم و ترتیب که خالق اثر آگاهانه آن را تجربه کرده‌است (دیویی، ۱۳۹۱: ۱۶۱-۸۷). نیل به چنین دستاوردی در فعالیت هنری، مستلزم تغییر دیدگاهی است که به‌طور معمول نسبت‌به هنرمند و توانایی‌های انحصاری او وجود دارد؛ در واقع، مفهوم هنرمند به‌عنوان نابغه‌ای دست‌نیافتنی، از یادگارهای گذشته است. «عنوان هنرمند دلالت بر شخصی بسیار پراستعداد و ممتاز داشت که از یک بینش هنرمندانهٔ یگانه برخوردار بود. تصویر کلیشه‌ای از او به‌عنوان شخصیتی تنها و منزوی که در برابر تکلفات جامعهٔ فرهیخته، قد علم کرده، از ساخته‌های قرن نوزدهم است» (رامین، ۱۳۹۲: ۲۶). چنین برساخته‌ای، در مدرنیسم هنری قرن ۲۰ و هم‌زمان با نضج گرفتن گرایش‌های فرمالیستی، صورتی دیگر یافت و هنوز هم در برخی رویکردهای نقد و تفسیر هنر معاصر، کمابیش ردپای دیدگاه‌های نخبه‌گرا مشاهده می‌شود. بر این اساس، هنر تعاملی با تغییر جایگاه مخاطب، مفهوم هنرمند و موقعیت او را نیز متحول ساخته‌است.

پیدایش و گسترش مفهوم هنر تعاملی، از یک نظر، تلاشی است برای فرارفتن از رده‌بندی تاریخی هنرمند به‌عنوان "نابغه" و به‌جای آن، ارائهٔ شیوه‌ای دموکراتیک و کاربردی‌تر از آفرینش هنری. هنر تعاملی می‌تواند به‌عنوان شیوه‌ای از عمل درک شود که به افراد زیادی اجازه می‌دهد، نقشی در بیان و تحقق ابژه‌های زیباشناختی داشته باشند. در واقع عملکرد سیستم تعاملی که از وساطت فناوری و رسانه‌های دیجیتال یاری می‌جوید، مقولاتی چون خالقیت فردی و هنرمند خودمحور را مشکل‌ساز می‌بیند. به همین صورت، در هنر پیش‌آمد و سایر اشکال مشارکتی هنر نیز تأکید بر خالقیت فردی جای خود را به ایدهٔ "گفت‌وگو" می‌دهد (Simon, 2014: 64-66). در کلیت، هنر تعاملی نه‌تنها مشارکت، بلکه تعامل بین هنرمند، آفرینش و بیننده را به ارمغان می‌آورد. این نوع هنر، با بهره‌گیری از فناوری نوین، امکان فراهم کردن محیط‌هایی را فراهم می‌کند که بیننده به شرکت فعالانه در فرایند آفرینش هنری و تجربه آن دعوت می‌شود. این تجربه‌ها، از طریق تعامل مستقیم با اثر و حتی اجازه دادن به بیننده برای کامل کردن آن از طریق تجربهٔ شخصی، ابعاد جدیدی از ارتباط و تجربهٔ هنری را برای مخاطبان فراهم می‌کند. در نتیجه، هنر تعاملی نه‌تنها مفهوم هنرمند و بیننده را متحول می‌کند، بلکه مفهوم خود هنر را به یک تجربهٔ گسترده‌تر و دموکراتیک‌تر از زاویه‌دیدهای قبلی می‌نمایاند.

هوش مصنوعی در خلق هنر

هوش مصنوعی (AI) به‌عنوان یکی از پیشرفته‌ترین فناوری‌های روز، نقش مهمی در خلق هنر ایفا می‌کند. این فناوری با استفاده از الگوریتم‌های پیچیده و یادگیری ماشین، قادر است به تحلیل و تولید آثار هنری بپردازد. یکی از مهم‌ترین کارکردهای هوش مصنوعی در هنر، تحلیل و تفسیر داده‌های بصری و متنی است. سیستم‌های هوش مصنوعی قادرند تصاویر، صداها و متون را به‌صورت هم‌زمان پردازش کرده و از این طریق آثار هنری جدیدی ایجاد کنند. همچنین، هوش مصنوعی می‌تواند به‌عنوان یک ابزار کمکی برای هنرمندان عمل کند. این فناوری می‌تواند پیشنهاداتی برای بهبود آثار هنری ارائه دهد، یا حتی سبک‌های جدیدی ایجاد کند که ترکیبی از تکنیک‌های سنتی و نوآورانه باشد. زیباشناسی هوش مصنوعی نیز در هنر به مفاهیمی اشاره دارد که به تجربهٔ بصری و احساسی کاربران از آثار هنری خلق‌شده توسط هوش مصنوعی مرتبط است. یکی از مهم‌ترین جنبه‌های زیباشناسی هوش مصنوعی، امکان تعامل و همکاری بین انسان و ماشین در خلق هنر است. این تعامل به کاربران اجازه می‌دهد تا به‌طور مستقیم با فرایند خلق اثر هنری درگیر شوند و احساسات و تفکرات خود را در این فرایند بیان کنند. هراری (۲۰۱۸) در کتاب خود بیان می‌کند که تعامل با هوش مصنوعی می‌تواند به کاربران کمک کند تا احساسات و افکار خود را بهتر بیان کنند و از این طریق تجربه‌های زیباشناختی عمیق‌تری کسب کنند (Harari, 2018). هوش مصنوعی با ارائهٔ ابزارها و روش‌های جدید برای خلق هنر، نه‌تنها به هنرمندان کمک می‌کند تا خلاقیت خود را گسترش دهند، بلکه به کاربران عادی نیز امکان می‌دهد تا با هنر به‌طور فعالانه تعامل کنند و از این طریق تجربه‌های زیباشناختی عمیق‌تری کسب کنند.

زیباشناسی پراگماتیستی

اصطلاح پراگماتیسم از کلمهٔ یونانی پراگما به معنای «عمل» گرفته‌شده است (Sahakian, 1968). این نظریه برای اولین‌بار در سال ۱۸۷۸م. توسط پیرس به فلسفه معرفی شد و

در سال ۱۸۹۸م. اصطلاح پراگماتیسم توسط ویلیام جیمز در سخنرانی بیان شد. در واقع، پیرس اصل عمل‌گرایی را پایه‌گذاری کرد. اصل پراگماتیسم این است که همهٔ واقعیت‌ها بر اعمال افراد تأثیر می‌گذارند. پراگماتیسم مجذوب واقعیات است و به این دلیل تجربه‌گرایی در آن اهمیت دارد (جیمز، ۲۰۱۲: ۵۷-۴۱). پراگماتیسم یک سنت فلسفی نیست که بر روی عملی صرف تمرکز دارد، بلکه بر ارزش کنش و انتظار عمل متمرکز است، یعنی چیزی که از اینجا به بعد «برداشت‌های عملی» می‌توان نامید. علاوه‌بر این، پراگماتیسم از نظر تجربه یک دیدگاه انقلابی است و این امر تأثیر قدرتمندی بر درک خاستگاه زیباشناسی و اهمیت آن برای شکوفایی انسان دارد (Marques & Reyes, 2021: 15).

پراگماتیسم حدواسط بین عقل‌گرایی و تجربه‌گرایی است، چون فاقد تعصب و بازدارندهٔ جزم و قانون استوار عقل است و از هر فرضیه یا نظریهٔ جدیدی استقبال می‌کند، آن را از نقطه‌امتیاز تا عقل‌گرایی دینی و تجربه‌گرایی می‌توان در نظر گرفت (شریعتی‌نیا، ۲۰۱۶: ۳). بسیاری از نظریه‌های زیباشناسی سنتی و رایج، زیباشناسی را به‌جای پویا، ایستا تفسیر می‌کنند (Schwarzfischer, 2011: 347). کارکرد زیبایی‌شناسی با کتاب «هنر به‌مثابه تجربه» نوشته جان دیویی، متولد ۱۸۵۹م. پایه‌گذاری شد. از منظر پراگماتیسم تجربه عنصر مهمی است. کارکرد زیبایی‌شناسی که در حاشیهٔ هنرهای سنتی و مردمی است، بر هنرهای والا توجه دارد (Shusterman, 2000: 354). زیبایی هنر کلاسیک جدای از جایگاه عملی آن در محیطی است که آن را با دستاوردهای بشری در ارتباط قرار می‌دهد. در هنر کلاسیک آثار هنری در قلمرو زیبایی کلاسیک منتقل می‌شوند، اما انتظار عمل‌گرایان از هنرمندان، تبدیل شدن آن‌ها به متفکرانی است که در تلاش برای برقراری ارتباط بین آثار هنری و تجربیات انسانی هستند، زیرا هر اثری که خلق می‌شود تجربه‌ای فردی و یا جمعی است (شریعتی‌نیا، ۲۰۱۶: ۳).

زیباشناسی پراگماتیستی نوعی پژوهش معرفت‌شناختی است. بر این اساس، ویژگی‌های زیباشناسی پراگماتیستی شامل؛ اهمیت به زندگی و هر آنچه برای آن مفید است، اهمیت به زمینه‌های اجتماعی و بافت فرهنگی، اهمیت به تجربهٔ انضمامی و کل‌نگری و وحدت‌انگاری در تمام زمینه‌ها را نیز شامل می‌شود. تمام ویژگی‌هایی که برای زیباشناسی پراگماتیستی عنوان شد، در نهایت با هم در ارتباط هستند و هرکدام را از دیگری می‌توان نتیجه گرفت. نفی فضای مابعدالطبیعی و گرایش‌های کارکردگرایانهٔ پراگماتیسم مخرج‌مشترک تمام آن چیزی است که به‌عنوان ویژگی‌های زیباشناسی پراگماتیستی مطرح می‌شوند (گل‌محمدی و مصطفوی، ۱۳۹۹: ۱۶۴- ۱۷۰).

شاخصه‌های زیباشناسی پراگماتیستی

الف) کل‌نگری و پیوستگی زندگی در اثر هنری

زیباشناسی پراگماتیستی عمیقاً با مهم‌ترین اصول اعتقادی زیباشناسی تحلیلی در تقابل و با ایدهٔ هگلی در ارتباط است که هیچ جزء یا مفهومی هویت مستقل و ذاتی ندارد، بلکه به عناصر و مفاهیم دیگری که به هم متعلق‌اند وابسته است (Shusterman, 2000: 5). زیباشناسی پراگماتیستی با تحلیل، تفکیک، تقسیم و طبقه‌بندی موافق نیست و هرگونه تمایزگذاری از این دست را میراث ناپسند تحلیلی مشربانی می‌داند که تنها براساس طبقه‌بندی و تمایزگذاری می‌اندیشند. همان‌طور که مارکسیسم زیرلایه‌ای اقتصادی برای تمام لایه‌ها و طبقات در تمام حوزه‌های مختلف قائل است، پراگماتیسم زیرلایهٔ بنیادین را خود زندگی می‌داند و از حضور، وجود و آمیختگی آن با تمام حوزه‌ها آگاه است. برای پراگماتیست‌ها زندگی جریان پیوسته‌ای است که تمام حوزه‌ها را در بر خواهد گرفت و از آن‌ها عبور خواهد کرد (گل‌محمدی و مصطفوی، ۱۳۹۹: ۱۶۷).

در زیباشناسی پراگماتیستی، کل‌نگری به‌عنوان یک مفهوم اساسی مطرح می‌شود که به تحلیل و فهم هنر و زیبایی با توجه به زندگی اختصاص دارد. این نظریهٔ زیبایی‌شناسی تأکید دارد که هر اثر هنری باید در سیاق گسترده‌تر زندگی انسانی در نظر گرفته شود و از آنجا که هر چیز در زندگی به یکدیگر وابسته است، تجربیات زیبایی باید به‌عنوان بخشی از یک کل واحد مورد توجه قرار گیرند. کل‌نگری در زیباشناسی پراگماتیستی به مفهوم تعامل و ارتباطات گسترده میان اجزای هنری، انسان و محیط اطراف می‌پردازد. این رویکرد زیباشناسی به تفهیم یکپارچگی و اتصالات مختلف در زندگی و هنر توجه دارد و یادآوری می‌کند که درک کامل از زیبایی نیازمند نگاه به کلیت و درک ارتباطات گستردهٔ موجود در دنیای هنر است.

ب) اهمیت تجربهٔ انضمامی در اثر هنری و زندگی

حقانیت زیباشناسی پراگماتیستی از رهگذر امکانات تجربه میسر می‌شود. در انواع تجربه هم تجربهٔ طبیعی است که به تأسی از آموزه‌های زیست‌شناسانهٔ داروینیسم، اقتدار عوامل محتوم متافیزیکی را خلع کرده و پراگماتیسم را در توجیه مبانی فکری‌اش یاری می‌دهد. تجربه در گسترهٔ طبیعت شکل می‌گیرد و برای آنکه زیباشناسانه باشد، باید در خدمت حیات

موجود زنده باشد و او را رشد دهد. هنر از تجربه برآمده و به تجربه بازمی‌گردد. زیباشناسی پراگماتیستی، روند شکل‌گیری اثر در تجربه را مهم می‌داند و برای پراگماتیست‌ها ملاک‌هایی در حوزهٔ هنر مهم‌اند که بتوانند آثار اصلی را از کپی‌ها و سره را از ناسره تمییز دهند (گل‌محمدی و مصطفوی، ۱۳۹۹: ۱۶۸).

در تجربهٔ انضمامی، هنر به‌عنوان یک جزء جدید و خلاق در جریان زندگی افراد وارد می‌شود و باعث ایجاد تعاملات پویا و متقابل با محیط اطراف می‌شود. این نظریهٔ زیباشناسی به تأکید بر ویژگی‌های جامعه، فرهنگ و تجربیات فرد در درک کامل زیبایی می‌پردازد. تجربهٔ انضمامی نشان‌دهندهٔ این است که هنر به‌تنهایی یک آثار جداگانه نیست، بلکه در جریان زندگی به‌عنوان یک فرایند پویا حضور دارد که با دینامیک‌ها و ارتباطات زیبایی در دنیای اطراف ترکیب می‌شود. تجربهٔ انضمامی تأثیرات عمیقی بر درک افراد از زیبایی و هنر می‌گذارد. با در نظر گرفتن هنر به‌عنوان یک جزء جدید و ارتباطی با زندگی روزمره، افراد توانایی بیشتری در شناخت عمیق‌تر از زیبایی را پیدا می‌کنند. این تجربه به آن‌ها این امکان را می‌دهد که با جزئیات و نقش‌آفرینی هنر در زندگی اجتماعی و فردی آشنا شوند و از ارتباطات پراگماتیکی آن بهره‌مند شوند و همچنان هنر را به‌عنوان یک‌زبان یک‌پارچه و جامعه‌ساز بشناسند.

ج) اهمیت زمینه‌های اجتماعی- فرهنگی در زندگی و اثر هنری

هنر و زیبایی جزء لاینفک اجتماعی است که در آن پدید آمده و رشد کرده‌است. هنر از زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، روانی و... جدا نیست، بلکه هم پای آن‌ها است و اثراتشان را نمی‌توان نادیده گرفت. بنابر اعتقادات زیباشناسی پراگماتیستی هنر برای هنر نیست، بلکه هنر برای اجتماع و در خدمت اجتماع است. آن‌چنان‌که اجتماع در خدمت هنر است و رشد و زوال و سایر تغییرات آن دو بر یکدیگر تأثیر دارد (گل‌محمدی و مصطفوی، ۱۳۹۹: ۱۶۹- ۱۶۸). اهمیت زمینهٔ اجتماعی-فرهنگی در زیباشناسی پراگماتیستی نه‌تنها در تشکیل مفهوم زیبایی، بلکه در تداخل هنر و زندگی عملی واقعی نمایان می‌شود. هنر به‌عنوان نمایانگری از تجربیات و احساسات فردی و جمعی، در زمینه‌های اجتماعی-فرهنگی به شکل‌گیری زیبایی براساس معناها و مفاهیم مشترک در جامعه کمک می‌کند. زیباشناسی پراگماتیستی به‌عنوان یک رویکرد گسترده و شامل، تأکید دارد که زمینهٔ اجتماعی-فرهنگی هنگام تجربهٔ زیبایی نقش اساسی ایفا می‌کند. این زمینه‌ها به‌عنوان پله‌ای ارتباطی بین هنر و مخاطبان، زیبایی را به‌دلیل تنوع و تعامل در مفهوم‌ها و ارزش‌ها به‌نحو غنی‌تر و گسترده‌تری ارائه می‌دهند. زیباشناسی پراگماتیستی به‌وضوح نشان می‌دهد که ارتباط میان هنر و زندگی عملی در سیاق زمینهٔ اجتماعی-فرهنگی، چگونگی شکل‌گیری زیبایی را به‌تفصیل نقل می‌کند و هنگام خلق و درک هنر، این ارتباطات به‌عنوان عناصری حیاتی و تأثیرگذار مورد مطالعه قرار می‌گیرند.

د) کارکردگرایی اثر هنری در زندگی

سودمندی و نتیجه‌گرایی از مهم‌ترین ویژگی‌های زیباشناسی پراگماتیستی است. از نظر پراگماتیست‌ها، هنر فعالیتی است که در ارتباط با سایر فعالیت‌های بشری بوده و انسان را دستخوش شور و هیجان تغییر می‌کند تا از این راه انجام امور و نیل به سایر مقاصد وی ممکن شود. سرود خواندن کشاورزان در هنگام کار در مزرعه نه‌تنها باعث تجربهٔ زیباشناسانهٔ مطلوبی برای آن‌ها می‌شود، بلکه ذوق و شور این سرودخوانی موجب تقویت کار ایشان در مزرعه خواهد بود. همپشر معتقد است اثر هنری برای ایفای نقش و کارکرد خاص یا حل مسئله‌ای خلق نشده‌است. استراوسون نیز با هرگونه وضع قانون و مقرراتی برای هنر و زیبایی مخالف است. زیرا به‌زعم وی «هنر نباید کاری انجام دهد. هنر تنها باید باشد». زیباشناسان پراگماتیسمی، شأن کارکردی و عملی برای هنر قائل‌اند؛ نه به این دلیل که هنر برای آن‌ها اهمیتی ندارد، بلکه دقیقاً به این دلیل که هنر بیشترین اهمیت را در نظر ایشان دارد و می‌تواند چون موتور متحرکه‌ای خلاقیت را برانگیزد، امکانات بالقوهٔ بشری را بیدار کند و جامعه را رونق دهد. هنر از نظر آن‌ها، از چنین توانایی گران‌قدری برخوردار است (گل‌محمدی و مصطفوی، ۱۳۹۹: ۱۷۰- ۱۶۹).

زیباشناسی پراگماتیستی با تأکید بر کارکردگرایی، نشان می‌دهد که هنر نه‌تنها یک محصول از هنرمند است بلکه وظیفهٔ کارکردی و اثرگذار در جوامع دارد. زیباشناسی پراگماتیستی به‌طور معنایی به‌دنبال درک چگونگی هنر و زیبایی در زندگی انسانی عمل می‌کنند و چگونه این دو با یکدیگر تعامل می‌کنند. زیباشناسی پراگماتیستی در ارتباط با کارکردگرایی به‌دنبال این است که هنر نه‌تنها درک جوامع را عمیق‌تر کند، بلکه در بهبود و تغییر آن نقش داشته باشد. هنرمندان در این رویکرد با استفاده از زبان هنری، تأثیرات خود را بر تفکرات، احساسات و رفتارهای افراد و جوامع اعمال می‌کنند. این اثرگذاری هنر به‌عنوان یک وسیلهٔ کارکردگرا در جهت بهبود زندگی افراد و جوامع به‌وضوح بیان می‌شود. جنبهٔ مهم دیگر از کارکردگرایی در زیباشناسی پراگماتیستی، تأکید بر تعامل فرهنگ‌ها و انسان‌ها با اثرات هنر است. هنر به‌عنوان یک‌زبان

جهانی برای ارتباط بین فرهنگ‌ها و افراد عمل می‌کند و این تعاملات به توسعه و افزایش درک متقابل بین جوامع مختلف منجر می‌شود. زیباشناسی پراگماتیستی با اینکه تأکید دارد که هنر باید در زندگی عملی مؤثر باشد، به‌وضوح به نقش اهمیت‌بخش زمینهٔ اجتماعی-فرهنگی پرداخته‌است و از تفاوت‌ها و تعاملات درون جوامع به‌عنوان منبعی برای الهام و خلاقیت هنری استفاده می‌کند. زیباشناسی پراگماتیستی با تأکید بر کارکردگرایی نه‌تنها به دنبال درک زیبایی، بلکه به دنبال اثرگذاری هنر در زندگی و بهبود مسائل اجتماعی و فرهنگی است.

توصیف دو نمونه خلق شعر-نقاشی تعاملی چین و ایران

هر دو ربات از طریق تجزیه‌وتحلیل ورودی‌های هنری (تصویر در ربات آیپوت و کلمات در ربات بلبل زبان) و تولید شعر، به ایجاد هنر تعاملی می‌پردازند. هرچند فرایندهای اولیه متفاوت است، هر دو سیستم با هدف تولید هنر براساس ورودی‌های کاربر عمل می‌کنند. تطبیق این دو نمونه امکان شناخت و درک نحوهٔ تاثیرگذاری ورودی‌های مختلف بر خروجی‌های هنری را می‌تواند فراهم کند و به بررسی چگونگی تعاملات بین انسان و ماشین در زمینهٔ هنری بپردازد. انتخاب این دو ربات براساس اشتراکات مفهومی مانند انتخاب کلمات و ایجاد هنر تعاملی بوده و نشان دهندهٔ توانایی هوش مصنوعی در تبدیل هنر بصری به متن است.

انتخاب نگارهٔ پرندگان و ماهی‌ها و کوه بهار و قایق ماهیگیری براساس تشابهات بصری و محتوایی آن‌ها صورت گرفته‌است. هر دو اثر از تن رنگ‌های نسبتاً مشابه استفاده کرده‌اند که هماهنگی و هارمونی رنگی یکسانی را ایجاد می‌کند. علاوه‌بر این، فضای کلی آثار و محتوای آن‌ها نیز دارای شباهت‌هایی است؛ هر دو اثر به موضوع طبیعت پرداخته‌اند و از لحاظ بصری نیز تناسب‌هایی دارند. این تشابهات در فرم یا شکل و محتوا دلیل اصلی انتخاب این دو اثر برای مقایسه بوده‌است. در این تحقیق دو نمونه شعر -نقاشی تعاملی براساس زیباشناسی پراگماتیستی جهت تطبیق مورد تحلیل قرار گرفته‌است. نمونه شعر-نقاشی تعاملی چین که یک برنامهٔ تجزیه‌وتحلیل بصری آیپوت را ارائه می‌کند، تا کاربران عادی را قادر سازد که شعر-نقاشی تعاملی برای نقاشی‌های چینی باستان خلق کنند. در ابتدا طبق (تصویر ۱) کاربر با آپلود نقاشی باستانی چینی به‌نام «کوه بهار و قایق ماهیگیری» در برنامهٔ آیپوت، توصیفات مرتبط با عنصر و احساسات از طریق تشخیص اشیا را اجرا می‌نماید و سپس شرح تصاویر و تجزیه‌وتحلیل رنگ آماری توسط برنامه استخراج می‌شود. این‌ها برای کمک به کاربران عادی برای درک اطلاعات چندوجهی متن نقاشی طراحی‌شده‌اند. بر این اساس، روشی جدید برای خلق شعر-نقاشی پیشنهاد می‌گردد تا به کاربران عادی در تولید اشعار منطبق با محتوا و احساسات نقاشی کمک کند. به‌عبارت دیگر، در این نمونه تعاملی یک رابط بصری طراحی‌شده‌است تا در فرایند تعامل خلق شعر برای کاربر عادی سهولت ایجاد گردد و کاربر عادی نیز با اشعار ناقص تولیدشده توسط برنامه مقابله کند. آیپوت کاربران عادی را قادر می‌سازد تا درک و احساسات شخصی خود را در مورد نقاشی‌ها اضافه کنند و فرایند خلق شعر-نقاشی تعاملی را هدایت نمایند که به‌طور مکرر اشعار تولید شده توسط کاربر عادی نیاز به اصلاح دارد.

در خلق شعر-نقاشی تعاملی چینی برای ارزیابی کاربردی بودن و اثربخش بودن فرایند تعامل، با یازده کاربر عادی که از برنامهٔ آیپوت استفاده کردند، مصاحبه از کاربران انجام‌شده است. یازده دانشجو (میانگین سنی: ۶/۲۳ سال، زن: ۷) به‌طور داوطلبانه در مصاحبه‌ها شرکت داشتند. اکثر آن‌ها (۸/۱۱) در رشتهٔ علوم کامپیوتر که در آن دو نفر بیش از

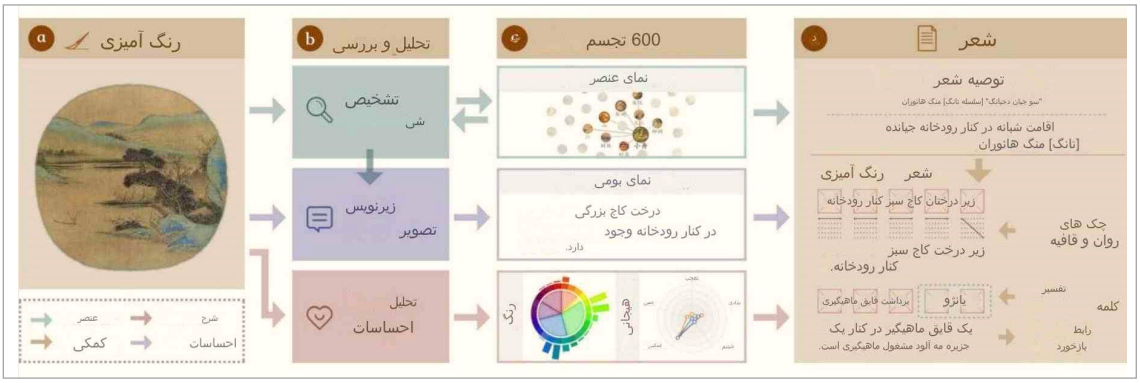

تصویر ۱. چارچوب برنامهٔ آیپوت از ورودی نقاشی a تا خروجی شعر d . a: آپلود نقاشی باستانی چینی (کوه بهار و قایق ماهیگیری). b: تشخیص اشیا و پیشنهاد واژه‌ها. c: تجزیه‌وتحلیل احساسات توزیع رنگ. d: تجسم نتایج موقت و هدایت فرایند (Fing et al: 2021)

دو سال تجربهٔ تحقیق در زمینهٔ هنر دارند و بقیه (۳/۱۱) در رشتهٔ شیمی یا آموزش‌وپرورش بودند. هیچ‌یک از آن‌ها تجربهٔ پژوهشی مرتبط با نقاشی یا شعر نداشتند. مصاحبه‌های کاربر در سه بخش ساختاریافته بود. ابتدا، شرکت‌کنندگان یک ویدیوی از پیش ضبط‌شده ده‌دقیقه‌ای را تماشا کردند که جریان کار و عملکرد را توضیح می‌داد. شرکت‌کنندگان می‌توانند در هر زمان ویدیو را متوقف کنند تا از آزمایش‌گر سؤال بپرسند. پس از این ویدیو، شرکت‌کنندگان از آیپوت برای ایجاد شعر از یک نقاشی به انتخاب خود استفاده کردند. هیچ محدودیتی در مورد محتوای خلق‌شده تعیین نشده‌است. شرکت‌کنندگان پس از رضایت از اشعار می‌توانستند کار را تمام کنند. فرایند تعامل ۵-۳۰ دقیقه به طول انجامید. در نهایت، شرکت‌کنندگان یک پرسش‌نامه نیمه‌ساختاریافته را طبق (تصویر ۲) برای ارزیابی برنامهٔ آیپوت تکمیل کردند که حدود ۲۰ دقیقه طول کشید. هر سؤال در پرسش‌نامه شامل یک ارزیابی پنج‌درجه‌ای (از ۱= کاملاً مخالفم تا ۵= کاملاً موافقم) برای رتبه‌بندی بود. کل فرایند تعامل حدود ۴۵ دقیقه طول کشید (Fing et al: 2021).

در نمونهٔ خلق شعر-نقاشی تعاملی ایران با استفاده از برنامهٔ بلبل‌زبان (تصویر ۳) کاربر عادی الهام و احساس خود را از نگاره‌های خیال‌برانگیز محمود فرشچیان که تخیل و خلاقیت در آن‌ها در نزد اندیشمندان و هنرمندان غربی دارای کارکردهایی باارزش است، را تبدیل به شعر می‌نماید (رضایی‌نبرد، ۱۳۹۴: ۶۶).

برنامهٔ بلبل‌زبان به کاربر عادی این امکان را می‌دهد که با چندین کلیدواژهٔ مهم که کاربر از نقاشی دریافت نموده‌است به شعر دلخواه خود تبدیل نماید. برنامهٔ بلبل‌زبان (تصویر ۳) کلیدواژگان تعیین‌شده را به‌عنوان موضوع اصلی شعر در نظر می‌گیرد و براساس آن ادامهٔ مصرع را پیشنهاد می‌دهد که اگر با ذوق کاربر عادی مناسب بود مصرع دوم را براساس مصرع اول با تأیید کاربر توصیه نماید. در آزمایش میدانی این نمونهٔ تعاملی یازده دانشجو (میانگین سنی: ۶/۲۳ سال، زن: ۹) شرکت داشتند. تعدادی از آن‌ها (۶/۱۱) دانشجوی علوم انسانی و (۵/۱۱) دانشجوی علوم ریاضی و کامپیوتر بودند که هیچ‌یک از آن‌ها در زمینهٔ هنر فعالیت نداشتند. مصاحبه‌های کاربر در سه بخش اجرا شد. ابتدا، شرکت‌کنندگان یک ویدیوی از پیش ضبط‌شده شش‌دقیقه‌ای را تماشا کردند که قابلیت برنامهٔ بلبل‌زبان، فرایند کار و عملکرد را توضیح می‌داد. شرکت‌کنندگان می‌توانستند در زمان تماشای ویدیو از آزمایش‌گر سؤال بپرسند. پس از تماشای ویدیو،

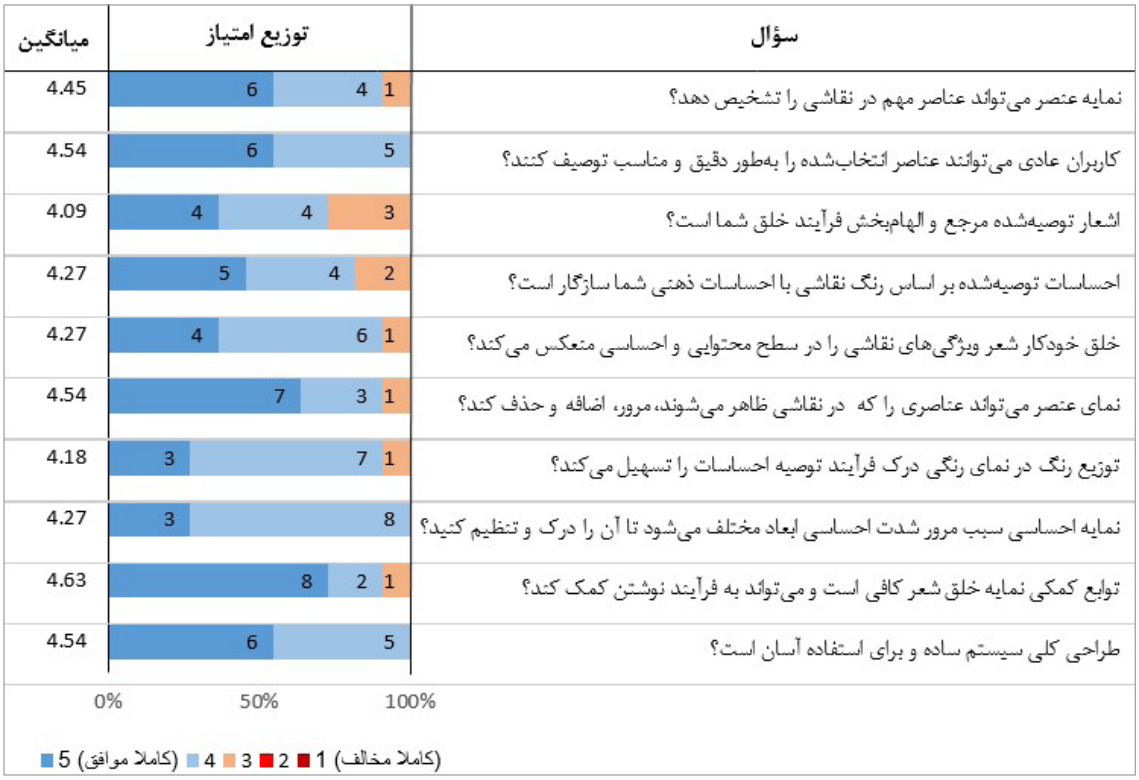

تصویر ۲. سؤالات پرسش‌نامهٔ خلق شعر-نقاشی تعاملی چین و میانگین امتیاز و توزیع مربوط به آن (Fing et al: 2021)

شرکت‌کنندگان با استفاده از برنامهٔ بلبل‌زبان برای ایجاد شعر از یک نگارهٔ استاد فرشچیان به انتخاب خود استفاده کردند. هیچ محدودیتی در مورد محتوای خلق‌شده وجود نداشت. شرکت‌کنندگان پس از وصول به نتیجهٔ دلخواه از اشعار، می‌توانستند کار را تمام کنند. فرایند تعامل ۱۰-۳۰ دقیقه به طول انجامید. شرکت‌کنندگان پرسش‌نامه‌ای را طبق (تصویر ۴) برای ارزیابی برنامهٔ بلبل‌زبان تکمیل کردند که حدود ۲۰ دقیقه طول کشید. هر سؤال در پرسش‌نامه

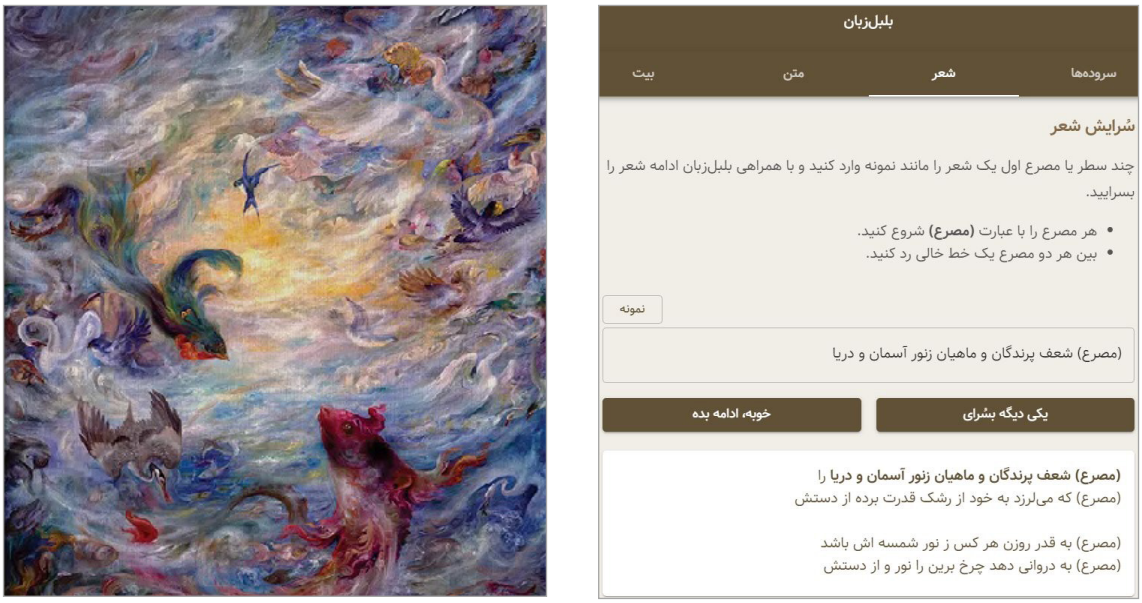

تصویر ۳. محیط برنامهٔ بلبل‌زبان و استفادهٔ کاربر عادی از نگارهٔ (پرندگان و ماهی‌ها) برای خلق شعر-نقاشی تعاملی ایران (URL1 & 2)

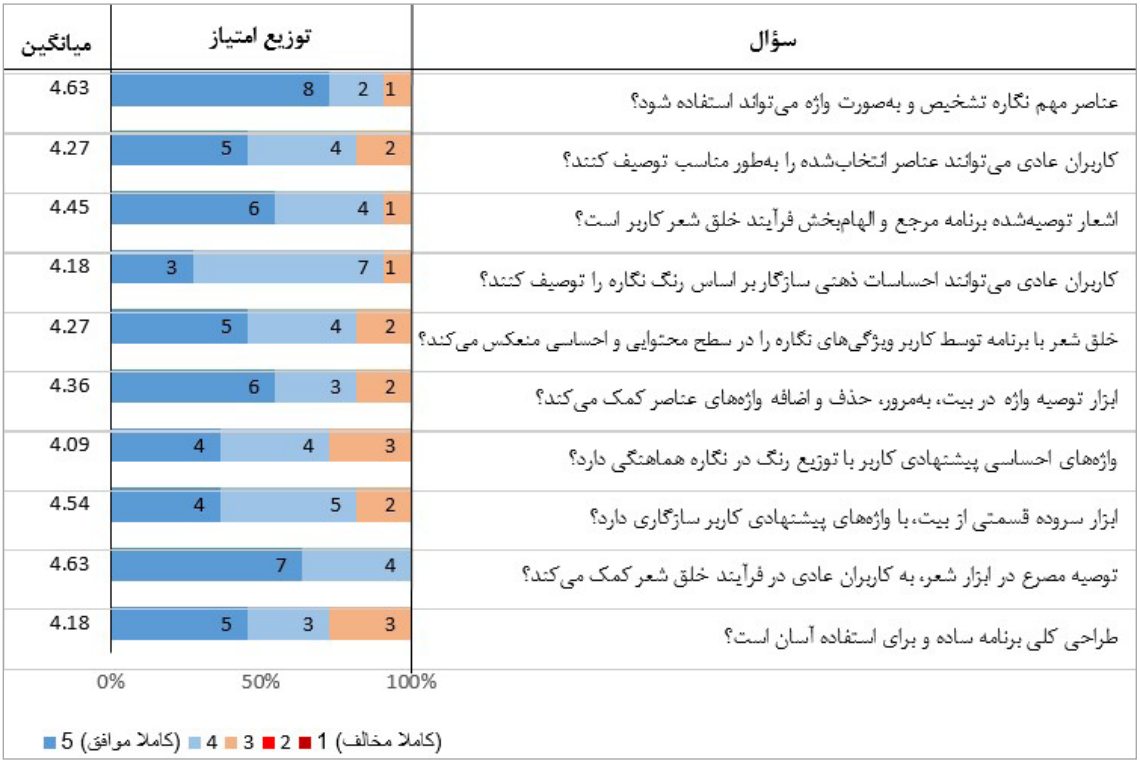

تصویر ۴. سؤالات پرسش‌نامهٔ خلق شعر-نقاشی تعاملی در ایران، تاریخ: ۱۴۰۲، یازده دانشجو (میانگین سنی: ۲۳-۲۶ سال) (نگارندگان)

شامل یک ارزیابی پنج‌درجه‌ای (از ۱= کاملاً مخالفم تا ۵= کاملاً موافقم) برای رتبه‌بندی بود. کل فرایند تعامل حدود ۵۰ دقیقه طول کشید.

۱- تحلیل شعر - نقاشی تعاملی چینی براساس زیباشناسی پراگماتیستی

کل‌نگری و پیوستگی در اثر هنری: در نمونه خلق شعر-نقاشی تعاملی چین که از ترکیب نقاشی و شعر به وجود می‌آید، کل‌نگری زیباشناسی پراگماتیستی به‌عنوان یک نظریه هنری و زیباشناسی مؤثر است و تأثیرات بسیاری بر زندگی کاربر عادی دارد. در این تعامل، هنر به‌عنوان یک تجربهٔ زندگی انسانی، در سیاق کلیت واحد زندگی انسانی قرارگرفته است. نخستین ارتباط کل‌نگری با این فرایند از توجه به همبستگی بین نقاشی و شعر به وجود می‌آید. هر نقاشی به‌عنوان یک عنصر از یک کلیت گسترده و هر شعر به‌عنوان یک بخش از این هنر تعاملی، با یکدیگر در ارتباط هستند و تأثیرات یکدیگر را تقویت می‌کنند. کل‌نگری در اینجا به معنای درک زیبایی به‌عنوان یک نظام یک‌پارچه و جامع از تجارب زندگی انسانی مطرح می‌شود. این کل‌نگری باعث می‌شود که کاربر عادی، هر چه بیشتر به اتصالات و همبستگی‌های زیبایی در نقاشی و شعر توجه کند و به‌جای نگاه به هر یک به‌تنهایی، این هنر تعاملی را به‌عنوان یک واحد یک‌پارچه و پیوسته درک کند. این تعامل هنری نیز با تأکید بر تجربه و زندگی عملی، کاربر را وادار به شرکت فعال در فرایند هنری می‌کند. او نه‌تنها به تماشای نتیجهٔ نقاشی و شعر اکتفا نمی‌کند، بلکه با گرفتن نیروی احساسی و فکری در هنگام خلق و تعامل با این آثار، یک نوع تجربهٔ عمیق‌تر از هنر به دست می‌آورد.

در اینجا کل‌نگری پراگماتیسم در زیباشناسی به وجود می‌آید، زیرا هنر تعاملی این امکان را به کاربر عادی می‌دهد که به‌عنوان یک سیستم جامع و مرتبط بازندگی اطراف او را درک کند. این تجربهٔ تعاملی به او کمک می‌کند که بهترین طریقه برای درک و ارزیابی زیبایی را در محیط‌زیست اطراف خود بیابد. در نتیجه، این فرایند تعاملی با کمک کل‌نگری پراگماتیسم، آگاهی بیشتری از زیبایی و همبستگی‌های زندگی انسانی را برای او آشکار می‌سازد و این آگاهی به ارتقا و تحول در زندگی او می‌تواند منجر شود. نقاشی و شعر به‌صورت اجزای یک کل به‌هم‌پیوسته است. فرایند خلق شعر-نقاشی تعاملی از روی نقاشی باستانی چینی توسط کاربر عادی در برنامهٔ آیپوت، ترکیبی بی‌نظیر از هنر و ادبیات را ایجاد می‌کند که با توجه به ویژگی پیوستگی زیباشناسی پراگماتیستی، تأثیرات ژرفی بر زندگی کاربران عادی داشته است؛ زیرا براساس این پیوستگی که در آن تعامل مستقیم کاربران با هنر و ادبیات منجربه تجربه‌های معنادار و غنی‌تر در زندگی روزمره می‌شود. کاربران نه‌تنها به هنر باستانی چین نزدیک‌تر می‌شوند، بلکه از طریق خلق شعر براساس نقاشی، احساسات و خلاقیت خود را به‌طور فعالانه بیان می‌کنند و این باعث تقویت تفکر و خلاقیت، افزایش درک زیباشناختی و ایجاد ارتباطات عمیق‌تر با فرهنگ و تاریخ هنری می‌شود، که همهٔ این‌ها می‌تواند به بهبود کیفیت زندگی کاربران عادی منجر شود.

در این تجربهٔ هنری، نقاشی باستانی چینی به‌عنوان یک زمینهٔ چشم‌نواز و احساسی، اشعاری را در ذهن مخاطبین القا می‌کند و این دو عنصر در کنار یکدیگر به یک تجربهٔ هنری تلفیق شده‌اند. پیوستگی در این نمونه تعاملی نه‌تنها در مفهوم اتصال و تعامل بین نقاشی و شعر بروز می‌کند، بلکه از زاویهٔ دیگر، این تجربه به کاربر این امکان را می‌دهد تا با جزئیات و احساسات نقاشی باستانی چینی به‌عنوان یک کلیت یک‌پارچه آشنا شود و این ارتباط گسترده، احساسات زیبایی را در او تقویت می‌کند. در این تجربه، پیوستگی نظریهٔ زیباشناسی پراگماتیستی باعث می‌شود که کاربر، به‌عنوان یک فرد عادی، به‌طور فعال در تعامل با هنر و زیبایی شرکت کند و هر جزء به‌عنوان یک قطعه از یک پازل بزرگ تشخیص داده شود. این تجربهٔ هنری و ادبی، وی را به دنیایی عمیق‌تر از فرهنگ چینی باستان می‌برد و ارتباطاتی گسترده با تاریخ، ادبیات و هنر این فرهنگ را برای او فراهم می‌آورد. همچنین، این پیوستگی در تجربهٔ هنری نه‌تنها محدود به خلق شعر از روی نقاشی نیست، بلکه به کاربر اجازه می‌دهد که به‌عنوان یک ذی‌نفع در میانهٔ این فرایند هنری جا بگیرد و هویت خود را با زیبایی‌ها و نمادهای فرهنگی درگیر کند. این ادغام نقاشی باستانی چینی و شعر به ویژگی پیوستگی نظریهٔ پراگماتیسم تبدیل‌شده و کاربر را به دلایلی عمیق‌تر از زیبایی و ارتباطات فرهنگی رهنمون می‌سازد.

اهمیت تجربهٔ انضمامی در اثر هنری و زندگی: این فرایند تعاملی به کاربر امکان خلق آثار هنری متفاوت را می‌دهد که هم‌زمان، از تجربهٔ فراگیر آن نیز به‌عنوان یک سفر زیبایی و درک شخصی بهره‌مند شود. تأکید بر تجربه و زندگی عملی نظریهٔ زیباشناسی پراگماتیستی به‌وضوح در دو جنبهٔ اصلی این تجربه بروز می‌کند. ابتدا، کاربر به‌عنوان یک مخاطب فعال در فرایند خلق شعر از روی نقاشی چینی باستانی شرکت می‌کند. این مشارکت فعال او را به شاهد و خالقی از تولید هنر تبدیل می‌کند و این ارتباط مستقیم با هنر، تجربهٔ زیبایی را به یک تجربهٔ عملی و فعال تبدیل می‌کند. در دیگر جنبه،

تجربهٔ شناختی کاربر از آثار نقاشی و شعر طبق (تصویر ۵) به‌عنوان یک واقعیت زندگی عملی بروز می‌کند. احساساتی که از نقاشی چینی باستانی به دست می‌آید، تأثیر مستقیم بر شعر خلق‌شده دارد. چنانچه مطالعات نشان داده‌اند که ارتباط با هنر می‌تواند به افزایش خلاقیت، و بهبود تعاملات اجتماعی کمک کند. به همین دلیل، این تعامل بین احساسات ناشی از نقاشی و خلق شعر به کاربر فرصتی می‌دهد که زندگی عملی خود را نیز با زیبایی‌ها و ارزش‌هایی که از هنر می‌آید، غنی‌تر و معنادارتر کند. ازاین‌رو، ویژگی تأکید بر تجربه و زندگی عملی نظریهٔ زیباشناسی پراگماتیستی در این تعامل، ارتباط عمیقی را بین هنر و واقعیت زندگی ایجاد می‌کند. به‌عبارت‌دیگر، ویژگی تأکید بر تجربه و زندگی عملی نظریهٔ زیباشناسی پراگماتیستی در این نمونه تعاملی باعث می‌شود که هنر به‌عنوان یک عنصر حیاتی و درگیر در زندگی عملی کاربر نه‌تنها در آثار هنری، بلکه در هر لحظه از زندگی آن‌ها حضورداشته باشد و با ایجاد ارتباط عمیق بین هنر و زندگی فردی، غنی‌ترین ابعاد زیبایی را در زندگی کاربر آشکار می‌کند. این تجربه درک عمیق‌تر از زیبایی و هنر کمک می‌کند تا امکان تحولات و ارتقا در زندگی عملی افراد نیز شکل بگیرد.

اهمیت زمینه‌های اجتماعی- فرهنگی در زندگی و اثر هنری

در محیط هنر تعاملی که از نقاشی باستانی چینی به شعر خلق‌شده در برنامهٔ آیپوت، ویژگی تأثیر بر زمینهٔ اجتماعی-فرهنگی نظریهٔ زیباشناسی پراگماتیستی به‌وضوح نمایان است. این تجربه تعاملی باعث می‌شود که کاربر عادی با یک اثر هنری بی‌نظیر آشنا شود و همچنان به ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی خود در محیط هنری توجه کند و از این تعامل بهره‌مند شود. این ارتباط عمیق میان هنر و زندگی اجتماعی-فرهنگی کاربران، با ایجاد تجربه‌های زیباشناسانه که براساس احساسات و تجربیات شخصی در زندگی‌شان ایجادشده، ابعاد جدیدی از زیبایی و ارتباط اجتماعی را آشکار می‌کند. یکی از اثرات اصلی این تجربه، افزایش درک کاربران از فرهنگ چین و ارتباط آن با هنر و زندگی اجتماعی است. با تجربهٔ تعاملی در خلق شعر از نقاشی باستانی چینی، افراد نه‌تنها به هنر این فرهنگ آشنا می‌شوند، بلکه مفاهیم اجتماعی و فرهنگی آن را درون خود تجربه کرده و به درک عمیقی از ارزش‌ها و باورهای چینی دست پیدا می‌کنند.

این درک عمیق تأثیراتی مثبت در ارتقای گفتمان فرهنگی بین افراد دارد و می‌تواند به تسهیل درک و همدلی میان افراد از زمینه‌های مختلف زندگی اجتماعی بینجامد. علاوه‌بر این، تعامل در خلق شعر از نقاشی باستانی چینی به ویژگی اهمیت زمینهٔ اجتماعی-فرهنگی نظریهٔ زیباشناسی پراگماتیستی، باعث تغییر در نگرش افراد نسبت‌به مفاهیم فرهنگی و هنری می‌شود. این تغییر نگرش می‌تواند به شناخت بهتر از تنوع فرهنگی و توسعهٔ فرهنگ همگانی کمک کرده و به ترسیم پلی برای تبادل ارزش‌ها و دیدگاه‌های مختلف بین افراد مختلف از جوامع مختلف بپردازد. به‌عبارت‌دیگر تعامل در این نمونه هنر تعاملی به‌عنوان یک راه برای تقویت ارتباطات فرهنگی، افزایش همبستگی و درک متقابل میان افراد و افزایش آگاهی از ارزش‌ها و مفاهیم فرهنگی به‌عنوان یک بخش مهم از زیبایی زندگی، به تعداد بسیاری از ابعاد نظریهٔ زیباشناسی پراگماتیستی پاسخ می‌دهد. این تجربهٔ تعاملی، یک محیط غنی از ارتباطات و تجربیات مشترک خلق می‌کند که با ارتقای ارتباطات اجتماعی و تسهیل درک فرهنگی، به ترسیم تصویری شگرف از زیبایی متنوع و غنی از زندگی انسانی منجر می‌شود.

کارکردگرایی اثر هنری در زندگی

این نمونه هنر تعاملی، خلق شعر از نقاشی باستانی چینی در برنامهٔ آیپوت توسط کاربران عادی، ویژگی‌های کارکردگرایی نظریهٔ زیباشناسی پراگماتیستی به‌خوبی نقش کارکردگرایی را در ایجاد تحولات در زندگی کاربران عادی بازتاب می‌دهند. برنامهٔ آیپوت با ارتباط بین نقاشی باستانی چینی و شعر، یک فرایند تعاملی را ایجاد کرده که از طریق آن کاربران معمولی فرصت دارند تا از تجربهٔ هنری به شکل کارکردگرایانه بهره‌مند شوند. در اینجا، کارکردگرایی به معنای تأثیرگذاری هنر بر زندگی عملی و عملکرد فردی افراد است. اولین جنبهٔ کارکردگرایی در این سیاق این است که این تعاملات هنری، تحولات در شیوهٔ تجربهٔ زندگی کاربران عادی را ایجاد می‌کند. با ارتباط نقاشی باستانی چینی با خلق شعر، کاربران عادی نه‌تنها با یک آثار هنری جدید آشنا می‌شوند، بلکه این تجربه به آن‌ها این امکان را می‌دهد که احساسات و تجربیات شخصی خود را در قالب شعر بیان کنند. این تحول در شیوهٔ بیان و درک زندگی، نشان از تأثیر مستقیم هنر بر زندگی عملی افراد دارد.

در دیگر جنبهٔ کارکردگرایی، این تعاملات هنری به ارتقای تفکر و دیدگاه کاربران عادی نیز کمک می‌کند. ترکیب نقاشی باستانی چینی و شعر، افراد را به تفکر عمیق‌تر دربارهٔ ارتباط بین هنر و فرهنگ چینی هدایت می‌کند. این فرایند ذهنی، باعث می‌شود که افراد به دیدگاه‌ها و ارزش‌های جدیدی در مورد هنر و فرهنگ چین پی ببرند که این نیز تأثیرات مستقیم بر نحوهٔ تصور و تعبیر زندگی

روزمرهٔ آن‌ها دارد. علاوه‌بر این، این تجربهٔ هنری تعاملی به ارتقای مهارت ارتباطی و همکاری افراد نیز کمک می‌کند. با اشتراک تجربیات هنری و خلق شعر در یک محیط تعاملی، کاربران عادی از تعاملات گروهی و به اشتراک‌گذاری ایده‌ها بهره‌مند می‌شوند که این مهارت اجتماعی به تقویت ارتباطات شخصی و اجتماعی آن‌ها کمک می‌کند. این نمونه هنر تعاملی نه‌تنها به‌عنوان یک مسیر برای ارتقای تجربهٔ هنری افراد عمل می‌کند، بلکه با تأثیرگذاری مستقیم بر زندگی عملی و تفکر افراد، نقش مهمی در شکل‌گیری و تغییرات در زمینهٔ اجتماعی-فرهنگی ایفا می‌کند.

۲- تحلیل شعر-نقاشی تعاملی ایرانی براساس زیباشناسی پراگماتیستی

کل‌نگری و پیوستگی زندگی و اثر هنری

ترکیب امور متضاد، تجربه‌ای وحدت‌یافته و در عین‌حال فردی و منحصربه‌فرد در ادراک زیبایی‌شناختی را به وجود می‌آورد. در هنر تعاملی مانند هر محصول هنری، مکان-زمان وجود دارد (رهبرنیا و حکیم، ۱۴۰۰: ۱۲). با توجه به ویژگی کل‌نگری در زیباشناسی پراگماتیستی، این تجربه نشان‌دهندهٔ این است که هنر به‌عنوان یک زبان جهانی می‌تواند افراد را به هم نزدیک‌تر کند و ارتباط مشترکی را بین افراد برقرار کند. کاربران نه‌تنها از زیبایی نگاره‌های فرشچیان به‌عنوان یک مبدأ برای خلق شعر بهره می‌برند، بلکه از این فرصت بهره‌مند می‌شوند تا احساسات، افکار و تجربیات خود را به‌صورت خلاقانه ارتقا دهند. همچنین، با توجه به ویژگی پیوستگی در زیباشناسی پراگماتیستی، این تعامل نشان می‌دهد که هنر می‌تواند به‌طور مستقیم در زندگی عملی افراد وارد شود و با ایجاد ارتباط مستمر با هنر، زندگی روزمرهٔ آن‌ها را بهبود بخشد. کاربران به‌عنوان هنرمندان خود در فرایند خلق شعر و تعبیر از نگاره‌ها شرکت کرده و این ارتباط مستمر با هنر، تأثیرات مثبتی بر زندگی عملی آن‌ها دارد. این تعامل هنری به‌وضوح نشان می‌دهد که هنر می‌تواند به‌عنوان یک عامل جامعه‌پذیر و ادغام‌کننده در زندگی افراد وارد شود و به بهبود ارتباطات کمک کند.

این خلق شعر-نقاشی تعاملی با استفاده از برنامهٔ بلبل‌زبان نه‌تنها یک تجربهٔ هنری فراگیر و خلاق را برای کاربران ایجاد می‌کند، بلکه با ویژگی پیوستگی زیباشناسی پراگماتیستی، می‌تواند به یک فرایند تعاملی وارد و آن را به یک جریان هنری پیوسته و مداوم تبدیل کند. در این فرایند، کاربران از نگاره‌های فرشچیان به‌عنوان وسیله‌های الهام‌بخش برای خلق شعر بهره می‌برند. با ارائهٔ چندین کلیدواژه به برنامهٔ بلبل‌زبان، احساسات و تجربیات خود را با دقت بیشتری در قالب شعر بازگو می‌کنند و این تعامل هنری به‌عنوان یک ادامهٔ طبیعی و پیوسته در زندگی آن‌ها تجلی می‌یابد. با توجه به ویژگی پیوستگی در زیباشناسی پراگماتیستی، این تعامل نشان‌دهندهٔ است که هنر می‌تواند به‌عنوان یک جزء همیشگی در زندگی افراد حضور داشته باشد و افراد را به مشارکت فعال و مداوم در فرایند خلق هنر ترغیب کند. کاربران به‌عنوان خالقان و مشارکان فعال در تولید شعر، تجربهٔ هنری خود را تقویت می‌کنند و این ارتباط مداوم تأثیر مستقیم و مثبتی بر زندگی عملی و احساسات آن‌ها دارد.

اهمیت تجربهٔ انضمامی در اثر هنری و زندگی

تأکید بر تجربه و زندگی عملی در نظریهٔ زیباشناسی پراگماتیستی، این تعامل را به یک فرایند ترکیبی از هنر و واقعیات زندگی تبدیل می‌کند. کاربران با اعمال کلیدواژه‌ها و تجربه‌های خود، شعری را طبق (تصویر ۶) خلق می‌کنند که هم از زیبایی هنری برخوردار است و هم از تأثیرگذاری واقعیت‌های زندگی نیز بهره‌مند است. این تعامل مستقیماً به تعمق در درک زندگی عملی کاربران منجر شده و آن‌ها را به ارتباط مستمر با هنر و زندگی عملی دعوت می‌کند. به‌عنوان یک فرایند تعاملی و یک‌پارچه، این نمونهٔ هنری تأثیرگذاری فراوان در توسعهٔ شخصیت و درک عمیق‌تر از زیبایی و زندگی

الف: زیر درخت کاج سبز کنار رودخانه
یک ماهیگیر در قایق کنار یک جزیرهٔ مه‌آلود مشغول ماهیگیری است.
نسیم بهاری جایی برای رفتن ندارد.
در یک قایق تنها نشسته بودم و طلوع خورشید را تماشا کردم.

ب: زیر درخت کاج سبز کنار رودخانه
یک ماهیگیر در قایق کنار یک جزیره مه‌آلود مشغول ماهیگیری است.
باد سرد را کجا پیدا کنیم؟
من خیلی تنهام بدون کسی که با او حرف بزنم.

تصویر ۵. خلق شعر -نقاشی تعاملی چینی نقاشی «کوه بهار و قایق ماهیگیری» قبل از بازبینی (الف) و بعد از بازبینی (ب) توسط کاربر در برنامهٔ آیپوت (Fing et al: 2021)

عملی افراد دارد. این ارتباط تعاملی باعث می‌شود که هنر نه‌تنها به‌عنوان یک وسیلهٔ تفریحی مورداستفاده قرار نگیرد، بلکه به یک فرایند پویا و مؤثر برای بیان خلاقانهٔ تجربیات و احساسات فردی تبدیل شود.

اهمیت زمینه‌های اجتماعی- فرهنگی در زندگی و اثر هنری

این نمونه تعاملی از خلق شعر-نقاشی توسط برنامهٔ بلبل‌زبان با استفاده از نگاره‌های فرشچیان، یک تجربهٔ فرهنگی و اجتماعی غنی و معناپذیر را برای کاربران خلق می‌کند. با ارائهٔ چندین کلیدواژهٔ مرتبط با این نگاره‌ها، کاربران با احساسات و تجربیات خود در ارتباط هستند و هم‌چنین به‌طور مستقیم با عناصر فرهنگی و اجتماعی نمایان در نگاره‌ها در تعامل قرار می‌گیرند. این تجربه با زمینهٔ اجتماعی- فرهنگی نظریهٔ زیباشناسی پراگماتیستی تطبیق دارد و به دلیل پیوستگی در زیباشناسی پراگماتیستی، این تعامل به یک فرایند پیوسته تبدیل می‌شود که تأثیرگذاری بیشتری در زندگی عملی کاربران ایجاد می‌کند. با استفاده از نگاره‌های فرشچیان که الهام‌بخش فرهنگ ایران هستند، کاربران نه‌تنها به زیبایی هنری و شعر خلق می‌کنند، بلکه به‌صورت فعال در فرهنگ و اجتماع خود تأثیر می‌گذارند. در این نمونهٔ تعاملی، هنر به‌عنوان یک‌زبان جهانی عمل نموده که میان فرهنگ‌ها پلی برقرار می‌کند. کاربران با تعامل در محیطی که فرهنگ ایران در آن نقش دارد، به درک عمیق‌تری از این فرهنگ پی می‌برند و این اتصال فرهنگی در زمان، تجربه‌هایی دائمی و

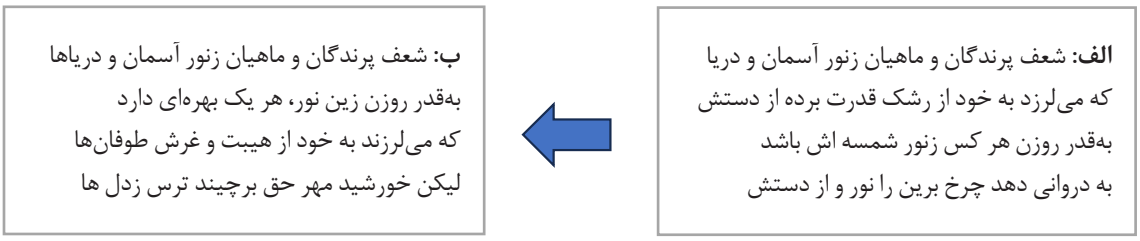

تصویر ۶. خلق شعر-نقاشی تعاملی ایران نگارهٔ "پرندگان و ماهی‌ها" قبل از بازبینی (الف) و بعد از بازبینی (ب) توسط کاربر در برنامهٔ بلبل‌زبان (نگارندگان)

پیوسته را برای آن‌ها فراهم می‌کند. به این‌ترتیب، تعامل با زمینهٔ اجتماعی- فرهنگی در این نمونه باعث توسعهٔ فرهنگی و اجتماعی فردی می‌شود.

کارکردگرایی اثر هنری در زندگی

زیباشناسی پراگماتیستی با تأکید بر کارکردگرایی به شیوه‌ای نوین و مؤثر، این نمونهٔ تعاملی خلق شعر-نقاشی را به یک تجربهٔ چندوجهی و پویا تبدیل کرده‌است. کاربران با احساسات و تجارب خود در تعامل با نگاره‌های فرشچیان، کلیدواژه‌هایی را به برنامه معرفی کرده و به کمک الگوریتم‌های هوش مصنوعی شعر موردنظر خود را خلق می‌کنند. این تعاملات، با کارکردگرایی نظریهٔ زیباشناسی پراگماتیستی سازگاری دارد، زیرا تمرکز بر تأثیر و کارکرد هنر در زندگی عملی و روزمرهٔ فردی قرار دارد. از طریق این برنامهٔ هنری تعاملی، کاربران تجربهٔ ارتباط مستقیم با محیط اجتماعی-فرهنگی خود را دارند و این تجربه به شکلی گسترده می‌تواند ابعاد فردی را نیز تحت تاثیر قرار دهد. این فرایند تعاملی، به‌واسطهٔ کارکردگرایی پراگماتیسم، نه‌تنها به خلق و شخصی‌سازی شعر، بلکه به تحولات و تغییرات فردی و اجتماعی از طریق تغییر نگرش با شناخت فرهنگ و زیباشناختی هنر نیز می‌تواند منجر شود. این تجربه به یک فرایند پویا و مستمر تبدیل می‌شود که در آن هنر به‌عنوان یک وسیله مؤثر در تحول فردی و جوامع ارتقا می‌یابد. ازاین‌رو، کارکردگرایی در زیباشناسی پراگماتیستی در این نمونه تعاملی، باعث ایجاد تجربه‌های هنری فرهنگی، تحولات زندگی عملی، و بهبود کیفیت زندگی کاربران عادی می‌شود.

در جدول (۱) مقایسهٔ دو نمونه خلق شعر-نقاشی تعاملی برنامهٔ بصری آیپوت و ربات بلبل‌زبان از لحاظ ویژگی ابزارها، بازخورد مخاطبان، درصد تعامل در فرایند خلق شعر-نقاشی و چگونگی بیان احساسات در قالب شعر، توسط برنامه مشاهده می‌شود.

جدول ۱. ویژگی‌های تطبیقی برنامهٔ بصری آیپوت و ربات بلبل‌زبان در خلق شعر-نقاشی تعاملی دو نمونه از چین و ایران

ویژگی‌های اصلی	برنامه بصری آیپوت	ربات بلبل‌زبان	شباهت‌ها	تفاوت‌ها
سال تولید و سازندگان	۲۰۲۱م- یینگ، جیاژو، کیو، جیسون، هوی، وی، رونگچن، شیائونان و وی.	۲۰۱۹م- افشین خاشعی	×	ربات بلبل‌زبان دو سال قبل‌تر از برنامهٔ آیپوت و دارای یک سازنده
اطلاعات فنی	استفاده از الگوریتم شبکهٔ عصبی R-CNN	استفاده از چت جی‌پی‌تی-۲ و الگوریتم RNN	×	مؤثر بودن الگوریتم شبکهٔ عصبی R-CNN نسبت‌به RNN در برنامهٔ آیپوت
ابزارهای برنامه	۱- نمایهٔ نقاشی	۱- متن	×	عدم وجود ابزار آپلود نقاشی در ربات بلبل‌زبان
	۲- نمایهٔ عناصر		×	انتخاب عناصر به صورت بصری در برنامهٔ آیپوت
	۳- نمایهٔ کلمات بومی	۲- سروده‌ها	×	جای‌گذاری قسمتی از سروده در ربات بلبل‌زبان
	۴- نمایهٔ رنگ		×	وجود نمایهٔ رنگی در برنامهٔ آیپوت
	۵- نمایه هیجانات (احساسات)	۳- شعر	×	عدم نمایهٔ هیجانات و صرف آپلود واژه‌هایی از شعر در ربات بلبل‌زبان
	۶- نمایهٔ شعر پیشنهادی		پیشنهاد شعر	×
	۷- نمایهٔ خلق و وبرایش شعر	۴- بیت	خلق شعر	×
میزان تعامل مخاطبان	کسب ۴۳,۷۸ امتیاز از ۵۰- توسط یازده مخاطب	کسب ۴۳,۶ امتیاز از ۵۰- توسط یازده مخاطب	×	وجود ابزارها، دقت، کیفیت و تعامل بیشتر در برنامهٔ بصری آیپوت نسبت‌به ربات بلبل‌زبان
چگونگی بیان احساسات	وجود نمایهٔ احساسات	عدم وجود نمایهٔ احساسات	×	بازدهی احساسی مناسب در برنامهٔ آیپوت نسبت‌به ربات بلبل‌زبان به‌دلیل وجود نمایهٔ رنگ

(نگارندگان)

نتیجه‌گیری

این پژوهش به بررسی زیبایی‌شناسی پراگماتیستی در دو نمونه هنر تعاملی از دو فرهنگ و اقلیم در دو زمان متفاوت برای تبیین اشتراکات زیبایی‌شناختی فراتر از زمان و مکان پرداخته است، که معتقد است آثار هنری را ورای محدودکردن به زیبایی شکلی، می‌توان به‌عنوان یک تجربهٔ فردی و در ارتباط مستقیم با زندگی عملی انسان در نظر گرفت. این تحقیق به تحلیل دو نمونه شعر-نقاشی تعاملی از چین و ایران پرداخته است تا تفاوت‌ها و شباهت‌های برنامهٔ تعاملی آیپوت برای خلق شعر از نقاشی سنتی چینی و ربات بلبل‌زبان برای خلق شعر از نگارگری ایرانی مشخص شود. در مقایسهٔ بین نمونه‌های تعاملی چین و ایران، مشاهده می‌شود که ویژگی‌های زیباشناسی پراگماتیستی در هر دو مورد به‌عنوان عناصر اساسی در تجربهٔ هنری و تعاملی کنش‌گرانه مخاطبین به شرح زیر بارز هستند:

کل‌نگری و پیوستگی زندگی در اثر هنری: اولین ویژگی مورد بررسی، پیوستگی در اجزای هنری به دلیل وجود کلیت است. در هر دو نمونه، این ویژگی باعث ارتباط و تداوم بین اجزای هنری اثر شده و تجربهٔ تعاملی را تقویت

می‌کند. اهمیت تجربهٔ انضمامی در اثر هنری و زندگی: دومین ویژگی هر دو نمونه، وجود تجربه در زندگی به‌صورت عملی در فرایند تعامل است. مخاطبان در هر دو مورد با تجربه‌های واقعی زندگی خود درگیر می‌شوند و این تجربه‌ها تأثیر زیادی بر زندگی شخصی و تجربهٔ هنری آن‌ها دارند.

اهمیت زمینه‌های اجتماعی- فرهنگی در زندگی و اثر هنری: سومین ویژگی، تأثیرپذیری و تأثیرگذاری در زمینهٔ اجتماعی و فرهنگی است. هر دو نمونه به تأثیرات دوطرفه از زمینهٔ اجتماعی و فرهنگی توجه کرده و این تأثیرات را به‌عنوان عوامل مهمی در تجربهٔ هنری و تعاملی مدنظر قرار داده‌اند. کارکردگرایی اثر هنری در زندگی: آخرین ویژگی زیبایی‌شناسی پراگماتیستی، کارکردگرایی است که نشان می‌دهد در هر دو مورد، کارکرد شناخت هویت و فرهنگ محلی مؤثر بر فرایند تعاملی و خلق اثر هنری است و این شناخت‌ها به‌عنوان مؤلفه‌های حیاتی در تجربه‌ی هنری و فرهنگی موردتوجه قرار می‌گیرند.

در انتها یافته‌ها نشان می‌دهد که در نمونهٔ چین، برنامهٔ آیپوت نقش بسیار مؤثری در فرایند خلق شعر-نقاشی تعاملی دارد. برنامهٔ آیپوت امکاناتی مانند توصیف اشیا، شرح تصاویر و تجزیه‌وتحلیل رنگ آماری را فراهم می‌کند، که این امکانات به کاربران عادی کمک می‌کنند تا بهترین شعرها را برای نقاشی‌های خاصی خلق کنند. به‌علاوه این برنامه به کاربران عادی امکان می‌دهد تا احساسات و درک شخصی خود را نسبت‌به نقاشی‌ها به اشتراک بگذارند و باعث می‌شود فرایند خلق شعر-نقاشی تعاملی به یک تجربهٔ شخصی و منحصربه‌فرد تبدیل شود. همین‌طور در تجربهٔ تعاملی نمونهٔ ایران با استفاده از برنامهٔ بلبل‌زبان، کاربران عادی امکان دارند از نگاره‌ها الهام بگیرند و احساسات و افکار خود را به شکل شعر درآورند. از نقاط قوت برنامهٔ بلبل‌زبان این است که با دریافت کلیدواژه‌های مهمی از نقاشی، به‌عنوان موضوع اصلی شعر توجه می‌کند و براساس آن، مصرع اول شعر را پیشنهاد می‌دهد. این پیشنهاد مصرع اول براساس کلمات کلیدی انتخاب‌شدهٔ کاربر و احساسات موجود در نقاشی تولید و باعث می‌شود که شعری با مضمون هماهنگ با نقاشی و انتخاب کاربر به وجود آید. براساس یافته‌های این تحقیق و تحلیل مبتنی‌بر زیبایی‌شناسی پراگماتیستی در هنر تعاملی، پنج موضوع پژوهشی برای ادامهٔ بررسی و تفسیر گسترده‌تر این زمینه پیشنهاد می‌شود:

۱. توسعه و بهینه‌سازی ابزارها و فناوری‌های هنر تعاملی: بررسی نیازها و امکاناتی که ابزارها و فناوری‌های مختلف در ایجاد تجربهٔ هنری در هنر تعاملی فراهم می‌کنند، به‌منظور بهبود و گسترش این تجربه‌ها صورت گیرد. ۲. رابطهٔ بین تجربهٔ هنری و احساسات: بررسی ژرف‌تری بر رابطه میان تجربه‌های هنرتعاملی و تأثیر آن‌ها بر احساسات و روان افراد انجام شود.

۳. تأثیرات فرهنگی و اجتماعی بر تجربهٔ هنری: بررسی نقش فرهنگ و اجتماع در شکل‌گیری تجربه‌های هنری افراد و نحوهٔ انعکاس آن در هنر تعاملی انجام شود. ۴. اثرات تجربهٔ زیبایی‌شناختی بر روی کیفیت زندگی: مطالعات بیشتری بر روی تأثیر تجربهٔ زیبایی در هنر تعاملی بر کیفیت زندگی افراد، به‌خصوص در جوامع مختلفی با فرهنگ‌ها و سنت‌های متفاوت انجام شود.

۵. مقایسهٔ بین رویکردهای زیبایی‌شناسی در هنرهای مختلف: بررسی تفاوت‌ها و تشابه‌ها در رویکردهای زیبایی‌شناسی مورداستفاده در هنرهای مختلف، از جمله نقاشی، موسیقی، نمایش‌نامه و هنر تعاملی، با هدف درک بهتر تأثیرات متقابل این رویکردها بر تجربهٔ هنری افراد انجام شود.

پی‌نوشت

1. Interactive art
2. Pramatic easthetics

منابع و مآخذ

- پورمند، فاطمه. (۱۳۹۶). افق بیناذهنی هنرمند و مخاطب در هنر تعاملی معاصر (با نگاهی به پروژه تعاملی کتابخانه قلب). *مبانی نظری هنرهای تجسمی*، دورهٔ ۲ (۱)، ۷۶-۶۱.
- جیمز، ویلیام. (۲۰۱۲). **پراگماتیسم**. ترجمهٔ کریم رشیدیان. تهران: ناشران دانشگاهی و فرهنگی.
- حکیم، اعظم؛ رهبرنیا، زهرا. (۱۴۰۰). تجربه زیبایی‌شناختی در هنر تعاملی (براساس نظریه جان دیویی). *هنرهای زیبا، هنرهای تجسمی*، دورهٔ ۲۶ (۳)، ۱۵-۵.
- دیویی، جان. (۱۳۹۱). **هنر به‌منزلهٔ تجربه**. ترجمهٔ مسعود علیا، تهران: ققنوس.
- رامین، علی. (۱۳۹۲). **نظریه‌های فلسفی و جامعه‌شناختی در هنر**. چاپ دوم. تهران: نشر نی.
- رضایی‌نبرد، امیر. (۱۳۹۴). جایگاه خیال در آثار استاد محمود فرشچیان (با تأکید بر نگارهٔ برای زیستن). *نگره*، دورهٔ ۱۰ (۳۵)، ۸-۶۰.
- رهبرنیا، زهرا. (۱۴۰۰). **تحولات نمایشگاهی هنرها در سایهٔ نظریه‌های یادگیری**. ویراست اول. تهران: انتشارات دانشگاه الزهرا.
- گل‌محمدی، سعیده؛ مصطفوی، شمس‌الملوک. (۱۳۹۹). شناخت‌شناسی زیبایی از منظر پراگماتیسم در تقابل با زیباشناسی تحلیلی، *پژوهش‌های معرفت‌شناختی*، سال ۹ (۱۹)، ۱۶۴-۱۷۰.
-

- Candy, L. (2014). Evaluation and experience in art. In Candy, L. & Ferguson, S. (Eds.). **Interactive experience in the digital age: Evaluating new art practice**, 25–48. London: Springer.
- Feng, Y.; Chen, J.; Huang, K.; Wong, J.; Ye, H.; Zhang, W.; Zhu, R.; Luo, X. & Wei, C. (2021). iPoet: Interactive painting poetry creation with visual multimodal analysis. *Journal of Visualization*, 25. https://doi.org/10.1007/s12650-021-00780-0
- Harari, Y. N. (2018). **21 Lessons for the 21st Century**. New York: Spiegel & Grau.
- Kwastek, K. (2013). **Aesthetics of Interaction in Digital Art**. Cambridge: The MIT Press.
- Reyes-Cárdenas, P.؛ Marques Serdán, S. (2021). An approximation to art and aesthetics from classical American pragmatism. In Lapointe, S. (Ed.). **Pragmatism and the Aesthetic Experience**, 15–33. London: Routledge.
- Li, Q.؛ Luo, T. & Wang, J. (2022). The role of digital interactive technology in cultural heritage learning: Evaluating a mid-air gesture-based interactive media of Ruihetu: *Computer Animation and Virtual Worlds*, 33(1), e1963.
- Sahakian, W. S. (1968). **The History of Philosophy: From the Beginning to Today**. New York: Barnes & Noble.
- Schwarzfischer, K. (2011). The aesthetic meaning of syntactic, semantic and pragmatic gestalt integrations in integrative aesthetics. *Integrative Aesthetics*, 33, 345–362.
- Shariatinia, Z. (2016). Investigation of high and low art from the perspective of pragmatism philosophy. *Art and Humanities Research*, 2(2), 70–74.
- Shousterman, R. (2011). The pragmatist aesthetics of William James. *British Journal of Aesthetics*, 51(4), 347–361.
- Shusterman, R. (2000). **Pragmatist Aesthetics: Living Beauty, Rethinking Art**. 2nd ed. Lanham: Rowman & Littlefield Publishers.
- Simon, S. L. (2014). Interactive art, autonomy and evaluation. In Candy, L. & Ferguson, S. (Eds.). **Interactive Experience in the Digital Age: Evaluating New Art Practice**. London: Springer.
- URL1: http://www.bolbolzaban.com (access date:11/12/1402).
- URL2: https://www.farshchianart.com/gallery (access date: 5/12/1402).

Received: 2024/05/18
Accepted: 2024/08/27

A Comparative Study of Pragmatist Aesthetics in Two Examples of Painting Poetry by Artificial Intelligence from the Two . ultures of China and Iran (The Samples under Investigation: The Work of Birds and Fishes by Mahmoud Farshchian and the Work of Koh Bahar and the Fishing Boat)

Zahra Rahbarnia* **Fereshte Ebrahimy****

Abstract

Pragmatist aesthetics is an approach that emphasizes that beauty is considered as an individual experience and directly related to human practical life. This theory focuses on the importance of experiencing beauty and the active participation of people in the process of creating and shaping beauty to improve the quality of life. Interactive art is presented as a beautiful experience and an opportunity for active participation of people in creating beauty. The selected research method is analytical-comparative. This comparative study is based on the analysis of two examples of interactive poem-painting from traditional Chinese painting and Iranian painting with pragmatic aesthetic theory. The Chinese example allows ordinary users to create poetry from traditional Chinese painting by using the interactive visual program of Ipot. Similarly, in the example of Iran, the bulbul-zaban robot is used to create poetry from painting. The aim of this research is to match the quality of perception in the interactive visual program of Ipot and the bulbul-zaban robot based on the analysis of the pragmatist aesthetic theory in order to answer the research question, what is the perception of the pragmatic aesthetic theory in interactive art? And what are the differences and similarities of pragmatist aesthetics in the two studied examples? The research hypothesis is that; These two examples are efficient and developed tools in the process of creating interactive poetry-painting. The findings of this research show that the iput program in the Chinese sample plays an important role in the interactive process of creating poetry-paintings from the understanding of users and ancient Chinese paintings. Furthermore, in the Iranian sample, the user using the Bulbulzaban program gets inspiration from Mahmoud Farshchian's paintings and poems with a theme that creates a harmony with the image. The important features of pragmatic aesthetics, such as continuity in artistic components, the existence of experience in life, being influenced by the social and cultural context, and functionalism are observed in the components of both examples, which shows that the use of this approach is very effective in artistic and cultural experience.

Keywords: Interactive art, Iput interactive visual program, Bulbul-zaban robot, Poetry-painting, China, Iran

*Associate Professor, Department of Research of Art, Faculty of Art, Alzahra University, Tehran, Iran (Corresponding Author). *Z.rahbarnia@alzahra.ac.ir*

**PhD Candidate in Research of Art, Department of Research of Art, Faculty of Art, Alzahra University, Tehran, Iran. *Fereshte.ebrahimy.2020@gmail.com*